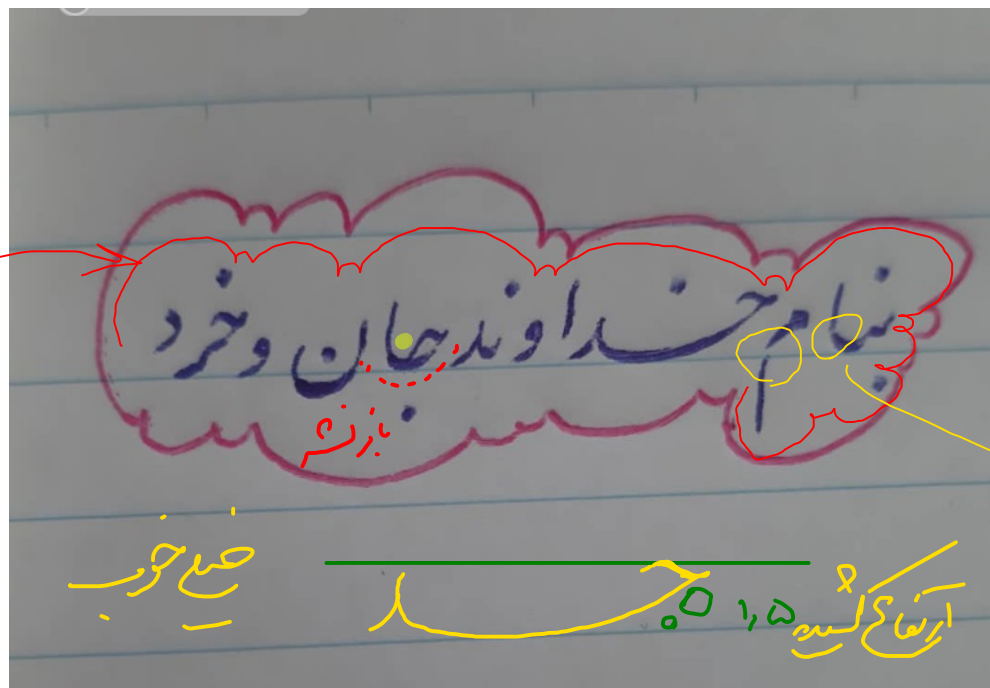


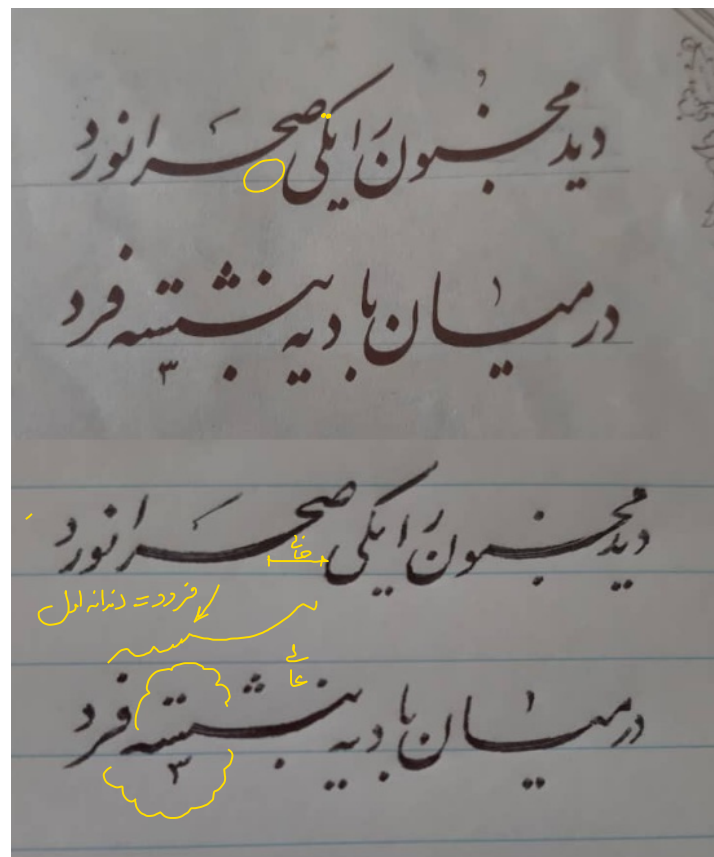
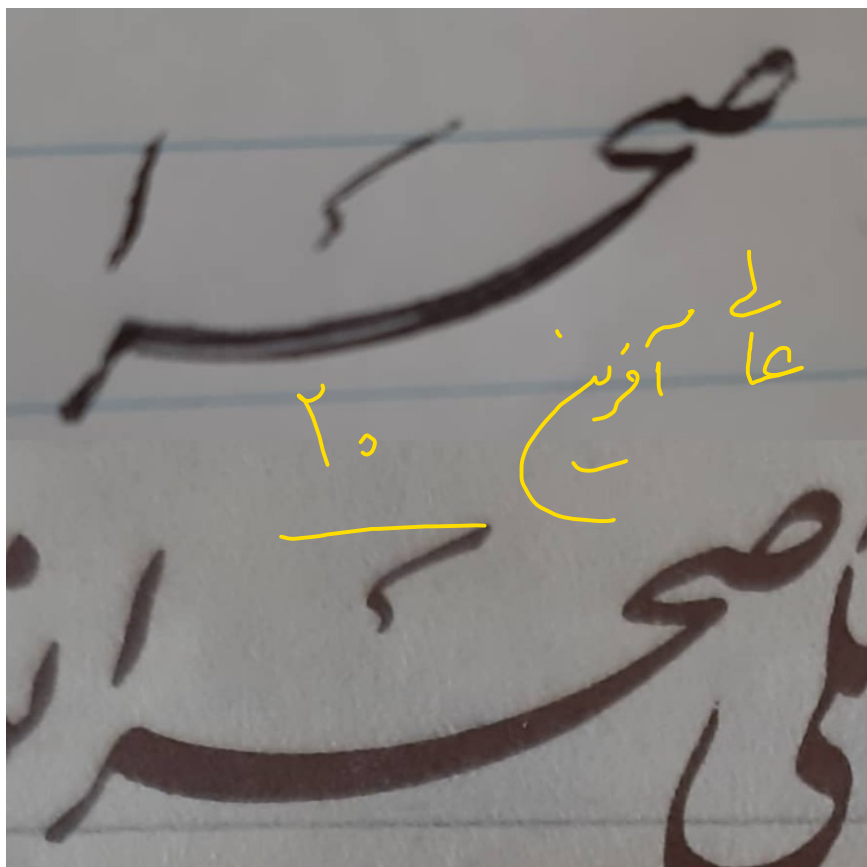
نیزه‌چوب ← دندان مویی ← زینتِ طرفت



مانند شمرن

ظریف و نازک بودن





* انتہائی کثیف
مکمل

فٹ

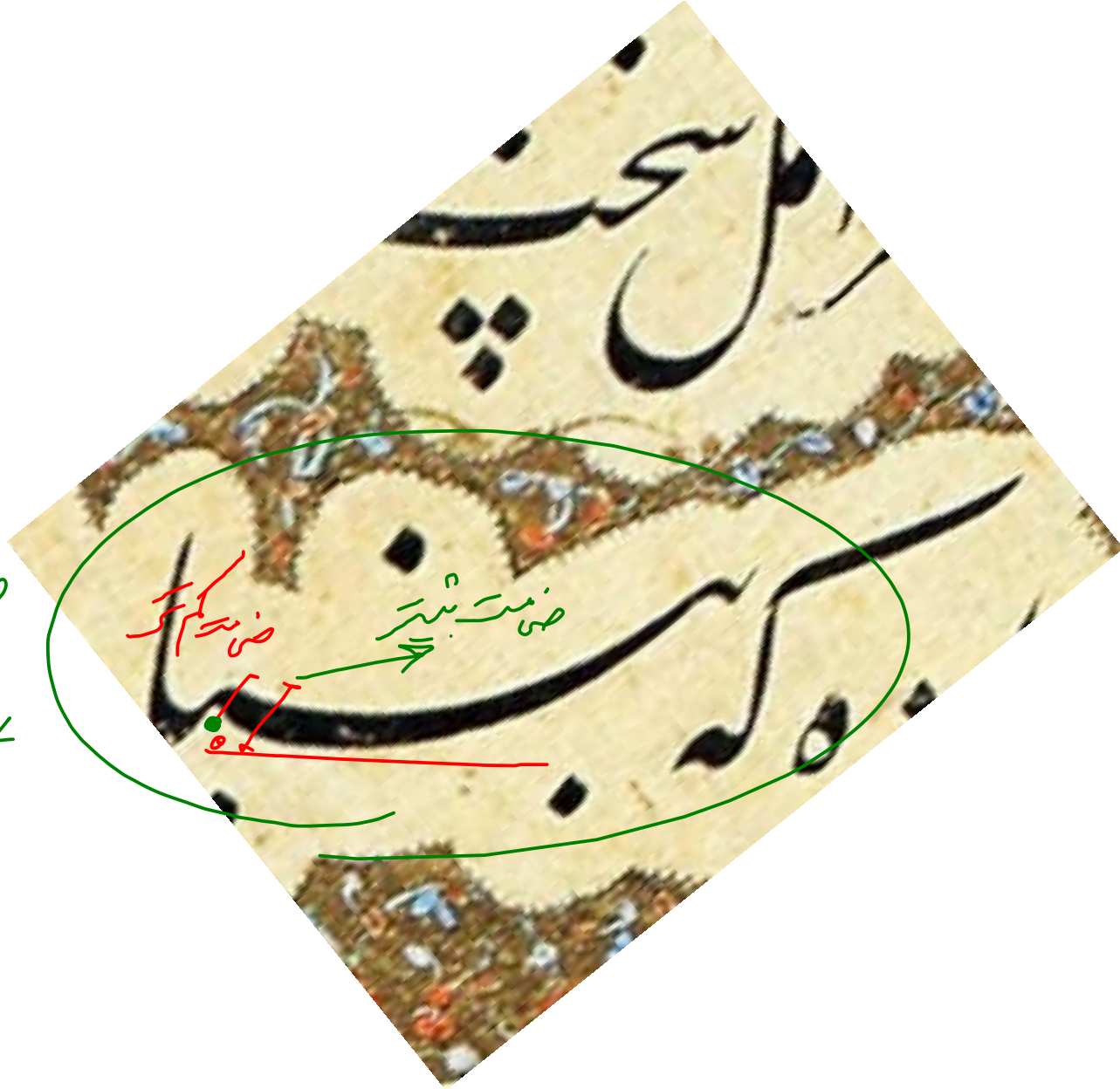
بہ نسبت کثیف
اندک خالص

تقطیع



بنام خداوند جان و شہرہ
کلیہ
ع
جہی کار دلہ

بنام خداوند جان و شہرہ
ع
شہرہ



ضمیت در انتهای کلمه سرد
✱ تقاطع

ضمیت بنبر
ضمیت کیم

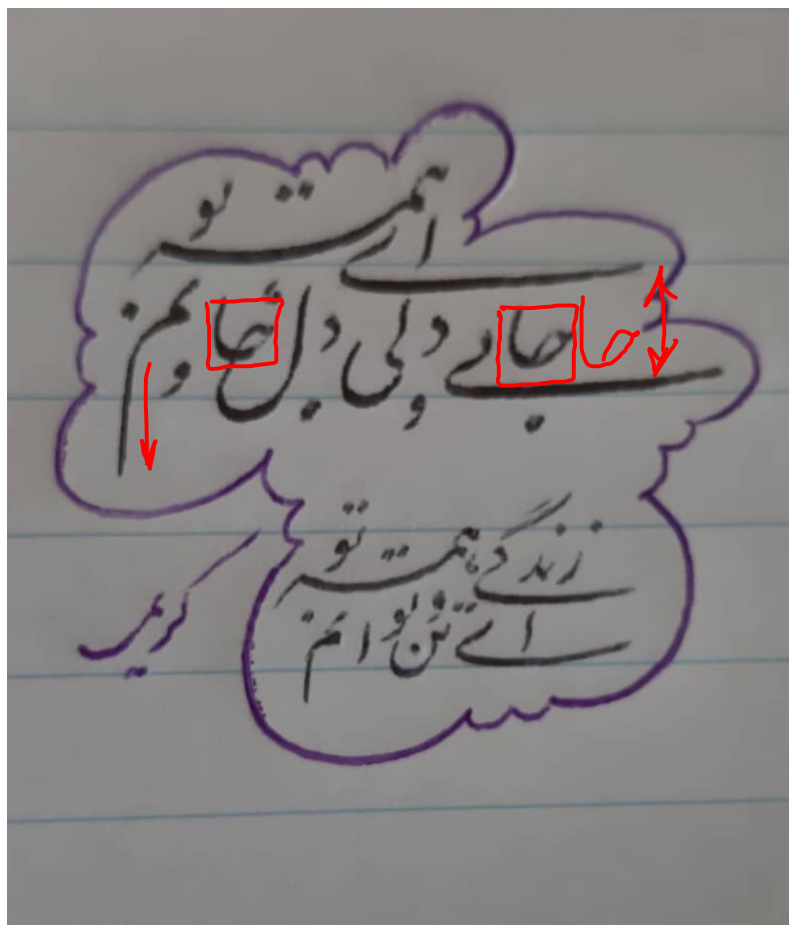
کاش در این دستان لایق دیدار شوم ^{اصول}

سحری با نطفه لطف تو بیدار شوم ^{فاصله القلب و ضمیر نادر شود}

کاش منت بگذاری به سرم محمد جان

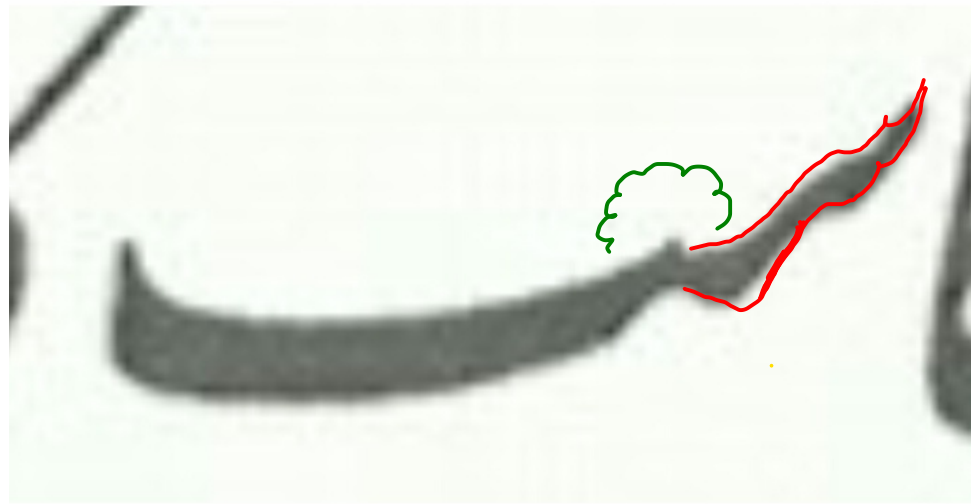
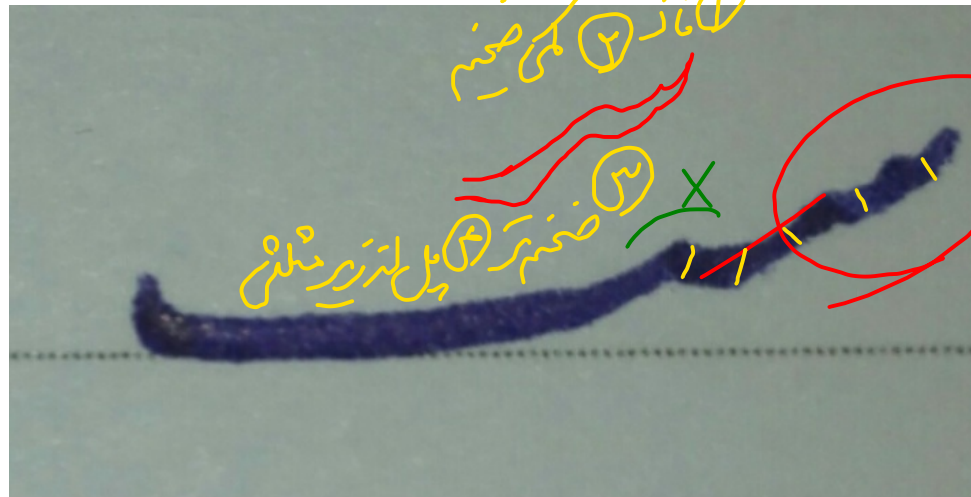
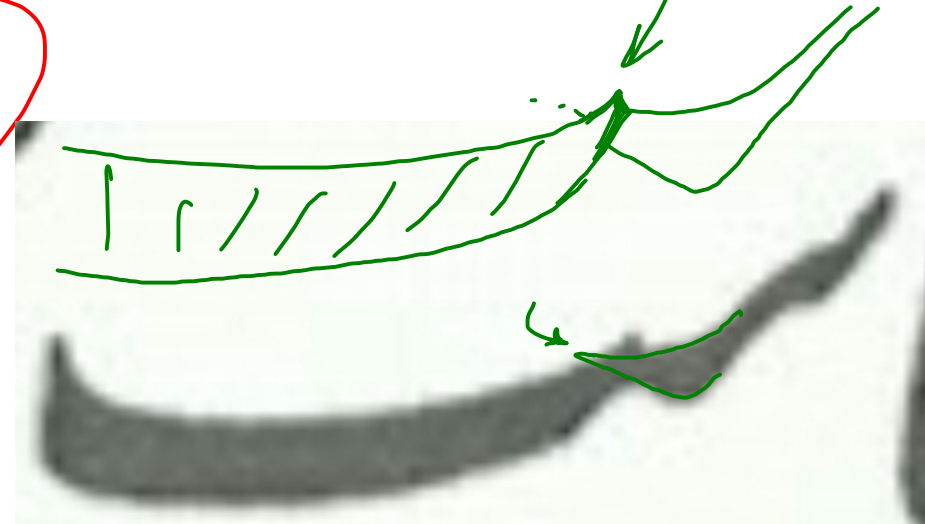
تا که هم سوره تو بخوانم ^{کمی جمع} افطار شوم

کیمی - ۱۴



1. تقطیع { اجزا زنجیره }
 2. رسم رسم
 3. حاحه
- (کن رسم حاحه)

خداکم زک میزداسه با

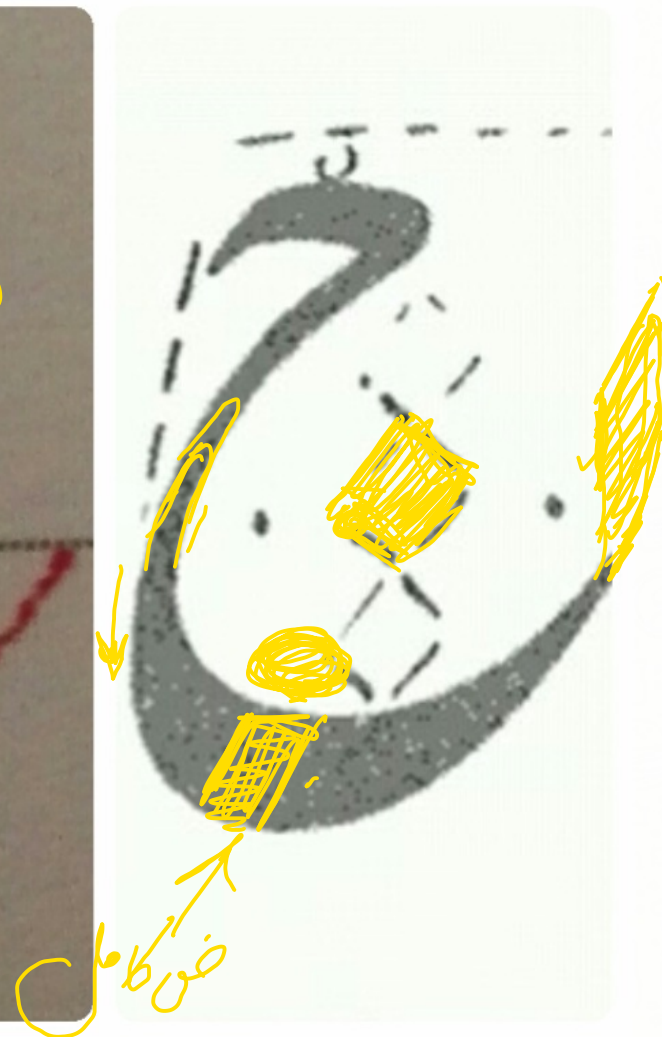
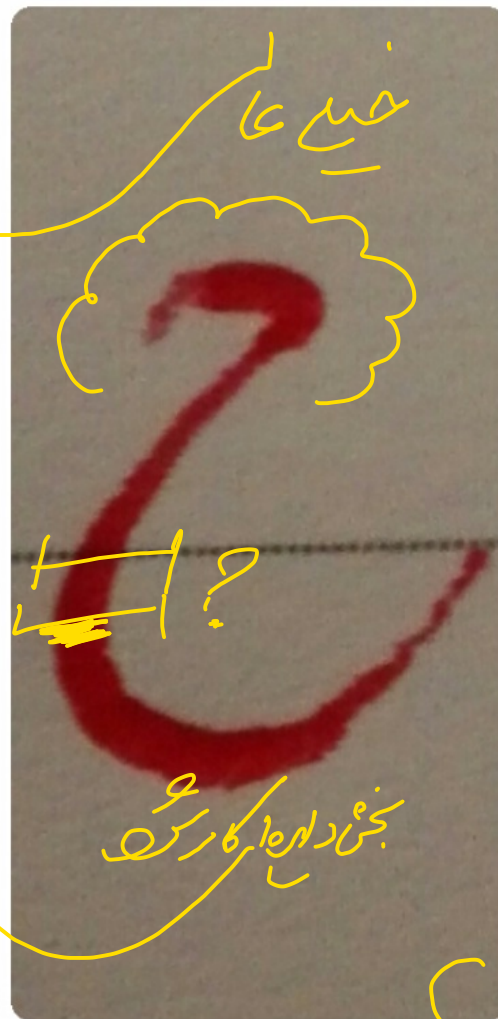
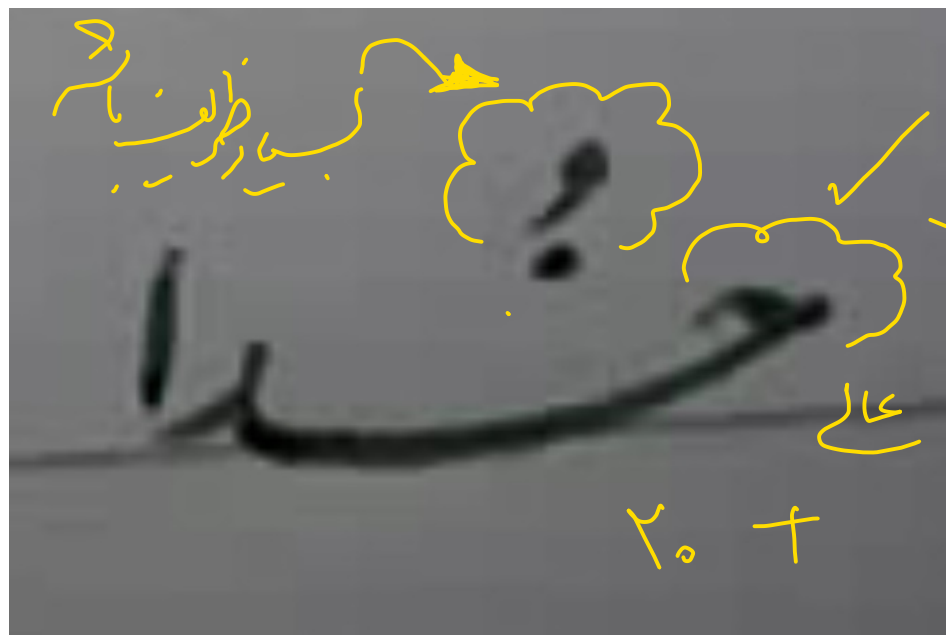


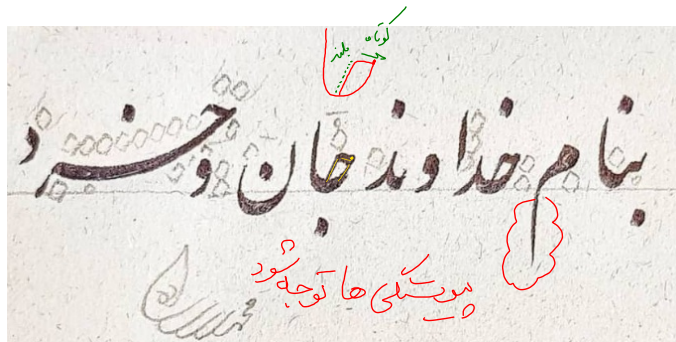
نم رَ بَ كَ نَ ه



نم رَ بَ كَ نَ ه



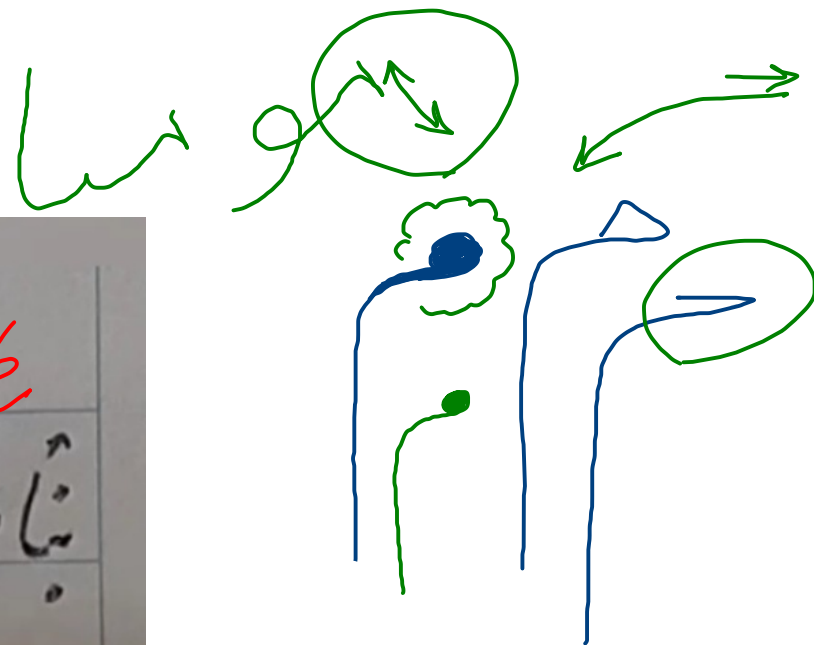
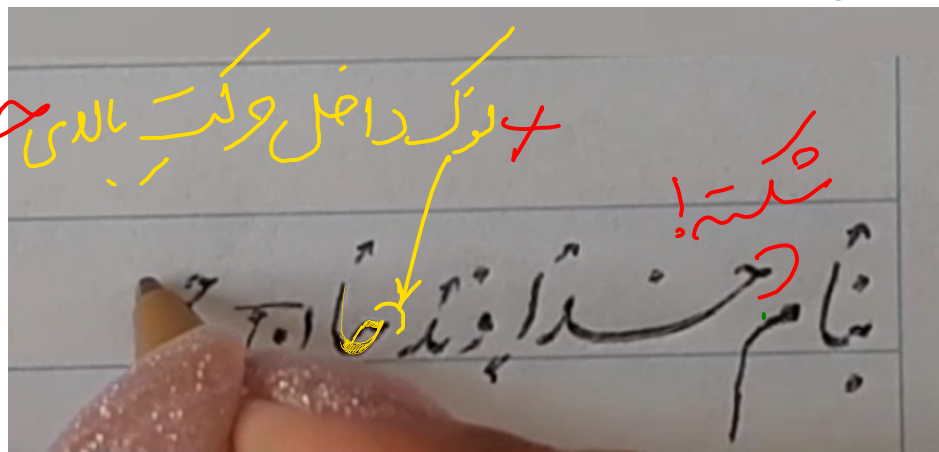




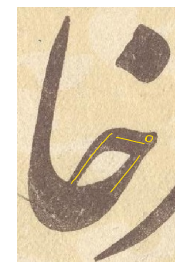
مختصی پُرسود!



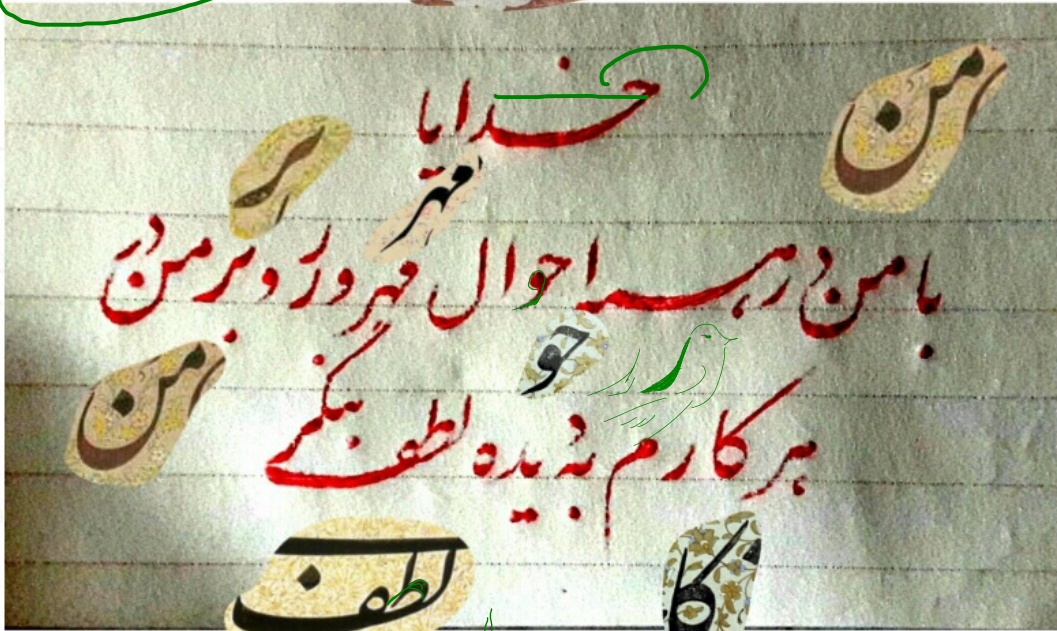
درک داخل وکت بالایی هم پیدا



دقوی دل وکت بالا با بر

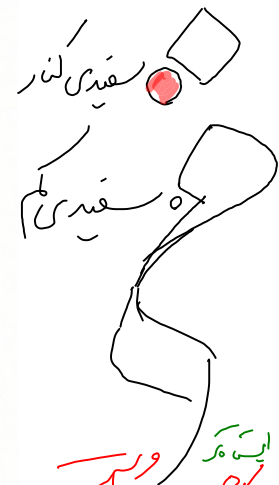


هم کاراز



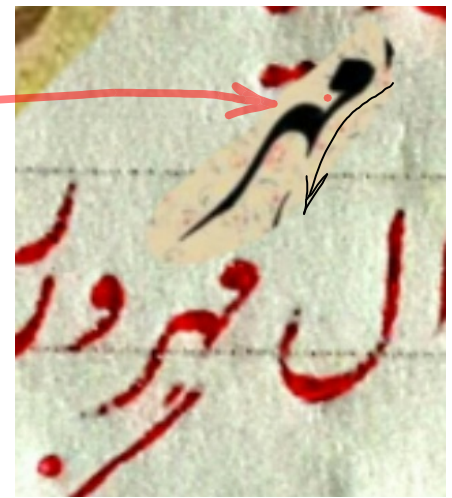
طهر
تو دل
باید باشد

حسرم
دندان سن
زیر سراج

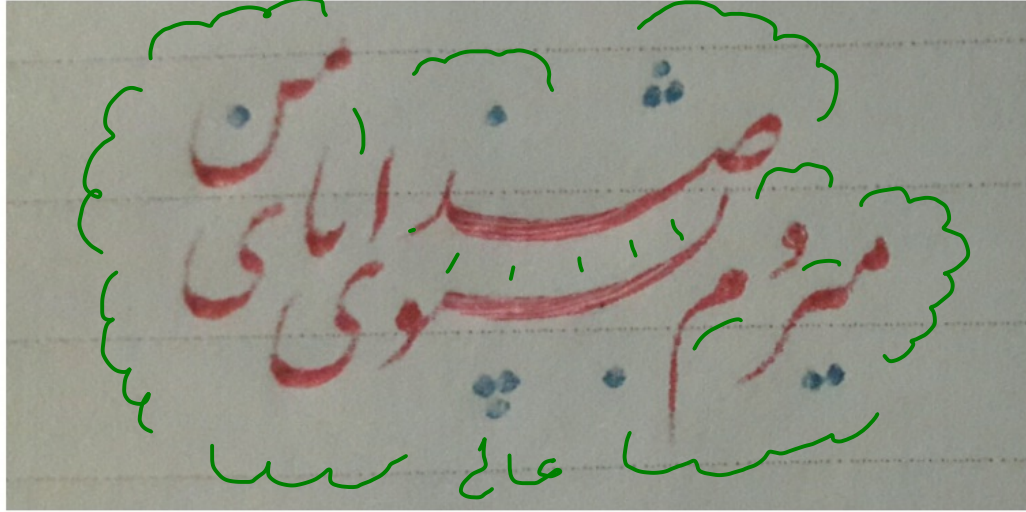


مکرر زلف معمول
(۱۱)

۳+۲
ی
خ
ه



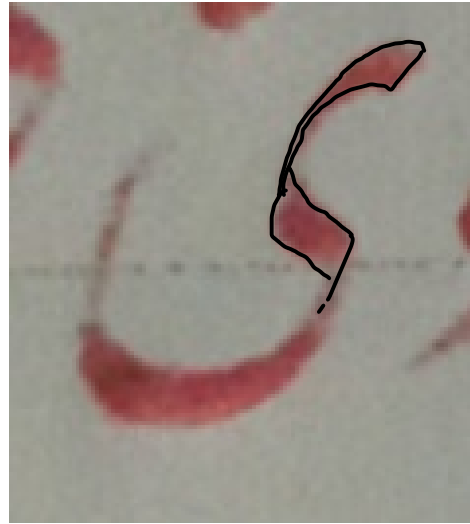
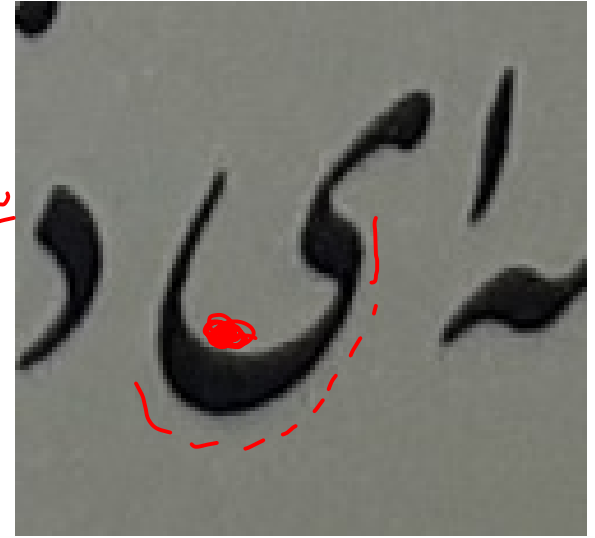
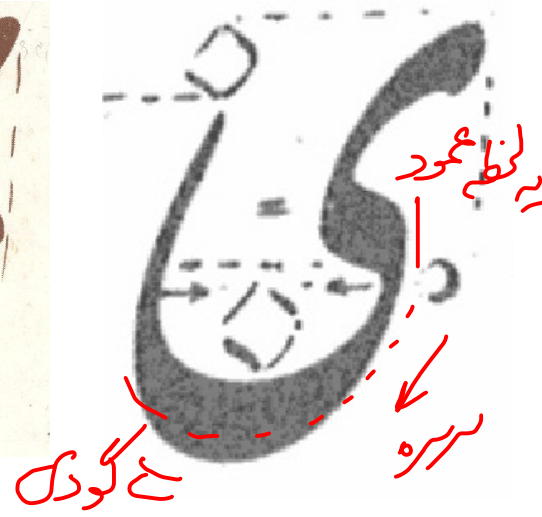
* میم دوزنتالی
ایستاد
خواسته
مهر و خمار

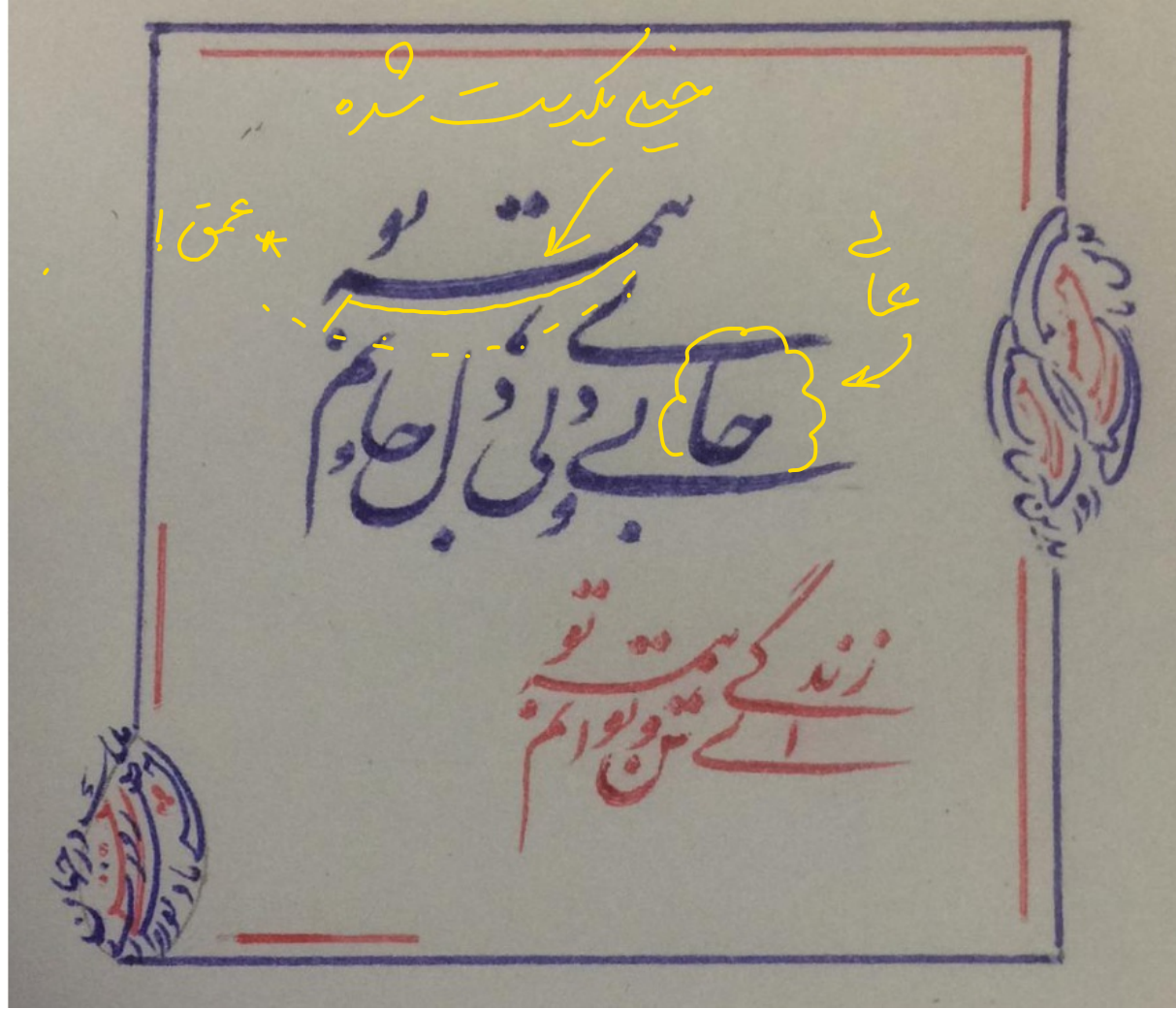


عالی دہ
دہ دہ



عالی



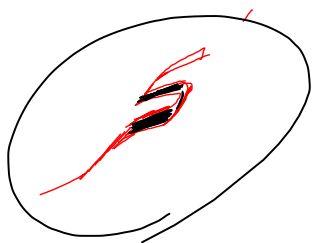


رنگ

افریقہ

* سب بالدر برسم ملاهم

کاش در این مهستان لایق دیدار شوم
سحر سحر باطنه لطیف تو بیدار شوم
کاش منت بگذاری به سرم محبت جان
تا که هم سفره تو خط افطار شوم
آمین



کاش در این رمضان لایق یدار شوم
 سحری با نطفه لطف نویسد ایشوم
 کاش منت بگذاری به سرم محمد جان
 تا که هم سفره نو بکشد افطار شوم

